

دومین دوره مسابقات داوری تجاری

سال ۱۳۹۵

لایحه دفاعیه خوانده در پاسخ به لایحه دفاعیه خواهان محترم

کد گروه: JR984

✿ خواهان: شرکت سینباد کپیتال (با مسئولیت محدود)

✿ خواندگان: ۱- شرکت آینده سپید آریا نوین سفر (آسان سفر)؛ ۲- شرکت آتیه‌سازان آریا نوپا سیر (آسان سیر)؛ ۳- جناب آقای مهدی آئینه‌وند؛ ۴- جناب آقای احسان احمدیان؛ ۵- سرکار خانم سمیرا دهباشی

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
بخش یک: دفاعیات شکلی در پاسخ به ایرادات شکلی خوانندگان محترم	۳
در پاسخ به بند ۱ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۳
اصلاح خواسته‌های مندرج در دعوای تقابل لایحه دفاعیه ابتدایی موکل	۵
ایراد به عدم تعیین مبلغ خواسته و عدم درج نشانی الکترونیک	۵
ایراد به عدم تنجیز خواسته مندرج در بند ۲۱ دادخواست داوری	۶
در پاسخ به بند ۲ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۶
در پاسخ به بند ۴ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۸
بخش دو: دفاعیات ماهوی	۸
در پاسخ به بند ۴ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۸
در پاسخ به بند ۵ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۱۰
در پاسخ به بند ۶ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۱۱
در پاسخ به بند ۷ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۱۱
در پاسخ به بند ۹ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۱۳
در پاسخ به بند ۱۰ لایحه دفاعیه خواهان محترم	۱۴
تشریح خواسته مندرج در دعوای تقابل	۱۵
جدول دادنامه	۱۶
فهرست علائم اختصاری	۱۶

به نام دادار دادگر

هیات محترم مرکز داورى اتاق ایران

احتراما درخصوص پرونده مطروحه نزد آن مرجع محترم و در پاسخ به لایحه دفاعیه خواهان گرامی به شماره ۹۵۱۵۱۶ و نیز در راستای دفاع از حقوق موکلین خویش، در مقام تبادل لوایح دفاعیه، دفاعیات خود را در قالب دو بخش کلی به استحضار آن هیات محترم می‌رسانیم. بدین ترتیب در بخش اول دفاعیات شکلی و سپس در بخش دوم دفاعیات ماهوی تقدیم می‌گردد.

بخش یک: دفاعیات شکلی

مقدمه:

در این بخش ابتدا ضمن تاکید بر ایراد صلاحیتی مطروحه، ابتدا دفاعیاتی در این خصوص ارائه می‌گردد و سپس در راستای تشریح دفاعیات مطروحه در لایحه تقدیمی پیشین و پاسخ به لایحه ارسالی خواهان محترم نکاتی بیان می‌گردد؛ بدین ترتیب پس از تاکید بر عدم صلاحیت مرکز داورى، با فرض عدم پذیرش ایراد، نکاتی درخصوص دعوای تقابل مطروحه توسط موکل و نیز ایرادات شکلی وارد بر دادخواست داورى خواهان محترم و سپس لایحه دفاعیه اخیر ایشان بیان می‌گردد.

۱- در پاسخ به بند ۱ لایحه دفاعیه خواهان محترم

بر مبنای استدلال‌های زیر، مرکز داورى اتاق ایران مرجع صالح برای رسیدگی به دعوای برآمده از «قرارداد خرید سهم» نیست:

۱-۱- شرط داورى مندرج در ماده ۱۲ قرارداد خرید سهم، شرطی عقیم است که نمی‌تواند اثر سلبی نفی صلاحیت مراجع عام قضایی را به دنبال داشته‌باشد؛ زیرا میان «داورى» و «مراجعه به محاکم صالحه» مردد است و کاربرد حرف «یا» نشان‌دهنده عدم توافق منجز طرفین برای حل و فصل اختلافات توسط داورى است. درچنین شرایطی باتوجه به اینکه قاعده، صلاحیت عام محاکم قضایی برای حل و فصل اختلافات و دعوای است و صلاحیت مراجع داورى امری استثنایی بوده و لازم است در حدود نص و بصورت مضیق تفسیر گردد، مجددا صلاحیت مراجع قضایی مستقر می‌گردد.

۱-۲- صرف نظر از آنکه شرط داوری مندرج در قرارداد عقیم است، صرفا بیان کننده حل و فصل اختلافات توسط داوری است و هیچ اشاره‌ای به صلاحیت داوری سازمانی مرکز داوری اتاق ایران ندارد. این درحالی است که طرفین در ماده ۱۴ قرارداد سهامداران صراحتا به صلاحیت مرکز داوری اشاره نموده‌اند. حال چرا در قرارداد مقدم (قرارداد خرید سهم) چنین تصریحی را بکار نبرده‌اند؟^۱ به نظر می‌رسد آنچه مدنظر طرفین بوده است صرفا اختیار حل و فصل دوستانه و کدخدامنشانه اختلافات توسط شخص ثالث مرضی‌الطرفین است که در فرض عدم رفع اختلاف، طرفین می‌توانند به مراجع قضایی مراجعه نمایند. این درحالی است که «داوری» به معنای اخص کلمه قاطع اختلاف و الزام‌آور است و رای داور هیچ تفاوتی با رای محاکم قضایی ندارد و طرفین می‌توانند صرفا تقاضای ابطال رای داور را در دادگاه صالح مطرح نمایند و رسیدگی دادگاه نیز صرفا یک رسیدگی شکلی است. با این اوصاف مشخص است که نحوه کاربرد الفاظ و عبارات توسط طرفین به نحوی است که این نتیجه را اراده نکرده‌اند.

۱-۳- شرط داوری مندرج در ماده ۱۴ قرارداد سهامداران، به نحوی تنظیم شده است که تنها «اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد» را دربر می‌گیرد. کاربرد لفظ انحصاری «این» بدان معناست که شرط داوری ناظر بر همان قرارداد و روابط حقوقی بوجود آمده در نتیجه آن است. همچنین طرفین در مقام بیان، به حل و فصل اختلافات ناشی از دیگر قراردادهای یا دعاوی ناشی از آنها که با قرارداد سهامداران ارتباط دارد، اشاره‌ای نکرده‌اند. بنابراین به دلالت تضمینی حل و فصل اختلافات برآمده از قرارداد خرید سهم خارج از حوزه شمول شرط داوری مندرج در ماده ۱۴ قرارداد سهامداران است.

۱-۴- صرف استناد به بندهای مختلف قرارداد خرید سهم، در لایحه دفاعیه اینجانبان به معنای پذیرش صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران در حل و فصل اختلافات برآمده از این قرارداد نیست؛ زیرا اولاً در ابتدای لایحه دفاعیه برای حفظ کلیه حقوق قانونی و قضایی خود، بصورت مفصل ایراد وارد بر صلاحیت مرکز داوری

^۱ - در همین راستا ن.ک دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۸۹۳ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: «... لیکن از آنجاکه مفاد بند ۶ قرارداد شماره ۸۷/۱۰۴۲ مورخ ۸۷/۶/۵ به لحاظ اینکه طرفین را ملزم به تبعیت و احراز رأی داور ننموده و فصل خصومت را با مراجع قضایی اعلام نموده است لذا منصرف از داوری قانونی بوده است و در زمره داوری کدخدا منشی بوده ...».

بیان شده است. ثانیاً بیان سایر دفاعیات در مقابل ادعاهای خواهان محترم که به قرارداد خرید سهم ارتباط داشت با فرض بر آن بوده است که رسیدگی - هرچند نادرست - در این مرجع داورى ادامه یابد. ثالثاً شرط داورى، شرطى مستقل از قرارداد اصلی است. بنابراین دفاع همراه با ایراد به صلاحیت و بقای بر این ایراد، به معنای پذیرش صلاحیت مرکز داورى در خصوص آن دسته از ادعاها نیست.

۲- اصلاح خواسته‌های مندرج در دعوای تقابل لایحه دفاعیه ابتدایی موکل

هرچند همچنان ایراد به عدم صلاحیت مرکز داورى در رسیدگی به دعوای مرتبط با قرارداد خرید سهم همچنان به قوت خود باقی است؛ اما با فرض عدم پذیرش این ایراد، باید گفت با استناد به مواد ۳۹ و ۴۱ قواعد مرکز، مادامی که قرارنامه داورى میان طرفین تنظیم و امضاء نشده است، آنان می‌توانند ادعاها یا دفاعیات خود را اصلاح نمایند. در همین راستا خواسته دعوای تقابل مندرج در بند ۱۴ لایحه دفاعیه موکل، به منظور تنجیز بدین شرح اصلاح می‌گردد: «الزام خواهان به فروش تمامی سهام خود مطابق شرایط مقرر در ماده ۱۶ قرارداد سهامداران به مبلغ ۳۶۰۰۰۰ یورو و خسارت تاخیر در تادیه مبلغ باقی‌مانده قیمت سهام به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ یورو»

۳- ایراد به عدم تعیین مبلغ خواسته‌های مندرج در دادخواست داورى و عدم درج نشانی

الکترونیک

۳-۱- هرچند در «داورى» تقویم خواسته به معنای بکاربرده شده در قانون آیین دادرسی مدنى موضوعیت ندارد؛ اما این امر خواهان را از تعیین ارزش واقعی خواسته و پرداخت هزینه‌های داورى بر این مبنا بی‌نیاز نمى‌سازد. از این روی خواهان محترم موظف است مستنداً به بند ۳ شق الف ذیل ماده ۶ قواعد مرکز «مبلغ خواسته‌های» خود مندرج در بندهای ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دادخواست داورى را ذکر نمایند. لذا مادامی که نسبت به رفع این نقایص اقدامی ننمایند، مشمول ضمانت اجرای ذکر شده در تبصره ذیل این ماده است.

۳-۲- حسب مفاد بند ۱ ماده ۶ قواعد مرکز، خواهان باید نشانی الکترونیکی خود را نیز در دادخواست داورى ذکر کند. از آنجاکه قانون شکلی حاکم بر اختلاف حاضر، قواعد این مرکز است، لازم است خواهان نسبت به درج رایانامه خود اقدام نماید؛ بنابراین رفع نقص در این زمینه مورد استدعا است.

۴- ایراد به عدم تنجیز خواسته‌های مندرج در بند ۲۱ دادخواست داوری

یکی از شرایط اساسی طرح دعوا، منجز بودن خواسته است که به موجب آن داور یا مقام قضایی صراحتاً می‌دانند به چه دعوا یا دعوای باید رسیدگی نماید. حال آنکه در بند ۲۱ دادخواست داوری، خواهان با کاربرد حرف «یا» میان دو خواسته متعارض صراحتاً مشخص ننموده است چه خواسته‌ای از مرجع داوری دارد تا خواننده نیز بداند در مقابل چه دعوایی باید دفاعیات لازم را تدارک ببیند اما این وصف اساسی در خواسته خواهان مغفول مانده است. این امر اصل تناظر در رسیدگی و اعطای «امکان و فرصت دفاع» به خواننده را تخدیش می‌نماید. بنابراین صدور قرار رد دعوا در این قسمت طبق ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مورد استدعاست.

۵- در پاسخ به بند ۲ لایحه دفاعیه خواهان محترم

درخصوص عدم تسری شرط داوری مندرج در قراردادهای حاضر به شرکت آسان سیر نکاتی وجود دارد که بیان می‌گردد:

۵-۱- انتساب امری خلاف قصد واقعی طرفین به آنان فاقد وجاهت قانونی است. بنابراین اشاره به اقتصاد قراردادها یا انتظارات معقول بنگاه‌های تجاری یا شرایط استثنایی تسری شرط داوری در قراردادها، هرگز نمی‌تواند مثبت امر موضوعی خلاف قصد صریح طرفین باشد؛ زیرا طرفین «قرارداد سهامداران» صراحتاً اختلافات برآمده از «این» قرارداد را در صلاحیت مرکز داوری قرار داده‌اند.

۵-۲- شرط داوری، قراردادی است که مانند سایر قراردادها، تابع قواعد عمومی است. قاعده استاپل هیچ‌گاه ناقض اصل نسبی بودن قراردادها یا The Principle of Privity of Contracts نیست. مستفاد از این قاعده حقوقی آن است که حقوق و تعهدات برآمده از یک رابطه قراردادی تنها طرفین همان رابطه قراردادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در مواردی استثنایی این حقوق و تعهدات به قائم‌مقامان آنها نیز تسری می‌یابد. اما این بدان معنا نیست که منتقل‌الیه قراردادی ملتزم به تمام مفاد تعهدات رابطه قراردادی پیشین باشد. از جمله این موارد توافق بر «مرجع داوری» است. باتوجه به اینکه «شخصیت داور یا سازمان داوری» برای طرفین حائز اهمیت است نمی‌توان توافقی که قبلاً درخصوص شخصیت سازمان داوری صورت گرفته است به

شخص دیگری تسری داد. بنابراین باتوجه به استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی، پذیرفتن حقوق و تعهدات برآمده از یک رابطه قراردادی به معنای التزام به سایر شروطی که جنبه شخصی دارند نیست.^۲

۳-۵- استناد به تئوری «زنجیره قراردادها» نیز نمی‌تواند مبنایی برای تسری شرط داوری به شرکت آسان‌سیر باشد. زیرا نتیجه آن اجتماع یک شرط داوری عقیم با یک شرط داوری دیگر است که اساساً اصل صلاحیت مرکز داوری نسبت به تمام خواندگان را محل تردید قرار می‌دهد.

۴-۵- تئوری گسترش شرط داوری بر مبنای خرق حجاب شخصیت حقوقی نیز در پرونده حاضر کاربردی ندارد؛ زیرا تئوری فوق‌ناظر بر مواردی است که شخصیت حقوقی موجودی بصورت پنهان، از قبل وجود دارد که شخصیت حقوقی دیگری را کنترل و مدیریت می‌نماید. درحالی‌که در پرونده حاضر شرکت آسان‌سیر هیچ‌گونه ارتباط مدیریتی با شرکت آسان‌سفر نداشته است. اساساً شرکت آسان‌سیر اصطلاحاً «پنهان» نبوده‌است که با «خرق حجاب» آشکار گردد؛ بلکه این شرکت مدت‌ها پس از انعقاد قراردادهای خرید سهم و

^۲- در همین راستا ن.ک دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۵۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۷ شعبه ششم دادگاه حقوقی اسلامشهر که در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی، در مقابل عمل خوانده که به شرط داوری قرارداد ایادی قبلی استناد نموده بود با این استدلال که «داوری قائم به طرفین دعوا بوده و خواهان قرارداد داوری را امضا ننموده است تا ملتزم به آن باشد»، با اجابت دعوی خواهان، خوانده را محکوم به تنظیم سند انتقال رسمی نموده است. و نیز دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۵۳ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که «نظر به این‌که داوری قائم به طرفین دعوی می‌باشد و تجدیدنظرخوانده قرارداد داوری را امضا ننموده که ملازمه با الزام مشارالیه باشد» شرط داوری را به شخص ثالث تسری نداده‌است و نیز دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۷۱۰ شعبه شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که «... زیرا براساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه متعاملین در قرارداد شرط داوری تعیین کرده باشند باید براساس شرط اقدام نمایند و این امر شامل کسانی که مستقیماً در تنظیم قرارداد مداخله نداشته‌اند نمی‌گردد بنا به مراتب صدور قرار عدم استماع دعوی با این استدلال که در قرارداد ۶۳۳-۶۶/۱/۲۶ مراجعه به داوری پیش‌بینی گردیده صحیح نیست زیرا قرارداد مذکور فی‌مابین ش. و آقایان ف.الف. - الف.خ. - ک.ه. منعقد گردیده است» تسری شرط داوری به شخص ثالث را نپذیرفته‌است.

قرارداد سهامداران، نسبت به خریداری سهام شرکت آسان سفر اقدام نموده است. بنابراین حجابی موجود نبوده است که برداشته شود.

۵-۵- با انحلال یک شخصیت حقوقی تجاری، ابتدائاً تمام حقوق و تعهدات آن تصفیه می گردد. بدین ترتیب با طی فرآیند انحلال، فرض بر آن است که کلیه حقوق و تعهدات موجود، تصفیه شده است و چیزی برای انتقال به منتقل الیه باقی نمی ماند.

۶- در پاسخ به بند ۴ لایحه دفاعیه خواهان محترم

بند «الف-۴»: ماده ۲۰۴ لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، ناظر به فرضی است که مدیران تصفیه تعیین نشده اند و مدیران شرکت عملیات تصفیه را آغاز می نمایند. اما سایر مواد لایحه مانند ماده ۲۰۵ نشان از آن دارد که اقدامات تصفیه مدیران شرکت موقتی است و به محض تعیین مدیر تصفیه، ماموریت مدیران از این بابت خاتمه می یابد. بنابراین با تعیین مدیر تصفیه طبق مفاد ماده ۲۱۱ همان لایحه، ماموریت مدیران شرکت خاتمه می یابد.

بخش دو: دفاعیات ماهوی

مقدمه

در این بخش در پاسخ به ادعاهای خواهان محترم و نیز در راستای تشریح دفاعیات مطروحه در اولین لایحه ارسالی در مرحله تبادل لوایح دفاعیات ماهوی در قالب پاسخ به بندهای لایحه ارسالی خواهان تقدیم می گردد.

۷- در پاسخ به بند ۴ لایحه دفاعیه خواهان محترم

۷-۱- بند «ب»: آنچه خواهان محترم از مرجع داوری در خواست نموده است، صرفاً ناظر بر منافع شخصی خود می باشد و به شرکت و منافع آن ارتباطی ندارد. توضیح آنکه ماده ۲۷۶ لایحه ناظر بر مواردی است که سهامداران در راستای تامین منافع شرکت، به نام و از طرف شرکت صرفاً علیه مدیر یا مدیران متخلف اقامه دعوا می کنند؛ این در حالی است که در پرونده حاضر شرکت آسان سفر نیز مستقلاً خوانده دعوا قرار گرفته

است. بنابراین اگر خواهان مدعی اقامه دعوا از طرف شرکت باشد نتیجه آن خواهد بود که خواهان و خوانده دعوا شخصیت واحدی دارند که این امر فاقد وجاهت قانونی است.

۷-۲- بند «۱-پ»: خواهان محترم طبق ماده ۲-۶ قرارداد خرید سهم ملتزم به پرداخت خسارت تاخیر در پرداخت ثمن معامله است. توضیح آنکه مقتضای ذات قرارداد خرید سهم، انتقال سهام و مقتضای ذات قرارداد سهامداران، تشریح روابط حقوقی سهامداران شرکت است. بدیهی است تعادل عوضین قراردادی و ضمان معاوضی مستلزم تودیع هر کدام از عوضین طبق شرایط و توافق طرفین رابطه حقوقی است. بنابراین منوط کردن ایفای هر کدام از تعهدات به طی مراتب و مراحل که خلاف قصد واقعی طرفین است، مغایر با اصله الاطلاق و ظاهر الفاظ کاربردی طرفین است. با این توضیح خواهان محترم ملتزم بوده است در بازه های زمانی تعیین شده نسبت به پرداخت قیمت سهام اقدام نماید؛ زیرا با تحقق عقد بیع و جری آثار قانونی آن، سهام یادشده در مالکیت منتقل الیه مستقر شده است و انعقاد عقد وکالت در واقع تشریفاتی برای ثبت سهام و قابلیت استناد به سهامداری خریدار است. با این اوصاف با استناد به اصل رضایی بودن عقود، خواهان ملتزم بوده است نسبت به پرداخت باقی اقساط ثمن معامله اقدام نماید. تعیین بازه زمانی جهت تنظیم قرارداد وکالت بصورت سند رسمی به معنای منوط نمودن پرداخت الباقی ثمن معامله به انعقاد قرارداد وکالت با اوصاف یادشده نیست؛ زیرا بدیهی است طبق ماده ۳۳۸ و ۳۳۹ قانون مدنی، به محض تلاقی ایجاب و قبول طرفین، صرف نظر از اینکه ثمن معامله پرداخت شده باشد یا خیر، خریدار مالک سهام می گردد و ثبت نام سهامدار در اداره ثبت شرکت ها تنها جنبه اثباتی دارد؛ اما از حیث ثبوتی خللی به بیع سهام منعقدشده وارد نمی سازد. با این اوصاف خواهان ملتزم بوده است در اقساط تعیین شده قیمت سهام تملک شده را بپردازد.

۷-۳- بند «۳-پ»: استناد به قاعده اقدام جهت توجیه عدم پرداخت قیمت سهام فاقد وجاهت قانونی است؛ زیرا طبق نظر مشهور فقها اولاً قاعده اقدام ناظر بر افعال مادی مثبت است و شامل ترک فعل مبنی بر عدم انعقاد قرارداد وکالت نمی شود. ثانیاً به محض انعقاد عقد بیع، سهام خریداری شده در مالکیت خریدار قرار می گیرد و مقتضای ذات عقد جاری می شود بنابراین عدم پرداخت مبلغ قرارداد را نمی توان با عدم تنظیم قرارداد وکالت بصورت سند رسمی موجه نمود.

۴-۷- بند «۴-پ»: در ماده ۹ قرارداد سهامداران صراحتاً به عنصر «پیشنهاد» یک عضو هیات مدیره توسط خواهان اشاره دارد در صورتی که اگر قصد طرفین تصدی سمت عضویت هیات مدیره توسط نماینده شرکت محترم خواهان بصورت شرط نتیجه بود از لفظ «تصویب» استفاده می کردند. حال اگر خواهان مدعی باشد منظور از درج این شرط، تضمین عضویت نماینده این شرکت در هیات مدیره آسان سفر باشد، آنگاه این شرط، شرطی باطل و غیرمبطل است و مشمول ضمانت اجرای مندرج در ماده ۲۳۲ قانون مدنی است. زیرا حق رأی از اساسی ترین حقوق ناشی از مالکیت سهم است و سهامدار در استفاده از آن آزادی کامل دارد و هرگونه اقدامی جهت حذف این حق مصداق شرط غیرمشروع است. لزوم حفظ حق رای صاحبان سهام، در ماده ۲۵۷ لایحه صراحتاً به رسمیت شناخته شده است و اگر این حق توسط رئیس و اعضای هیات رئیسه در مجامع عمومی رعایت نگردد، این اشخاص مشمول جزای نقدی مقرر در ماده ۲۵۵ لایحه می گردند.

۸- در پاسخ به بند ۵ لایحه دفاعیه خواهان محترم

۸-۱- یکم معاملات مشمول کنترل فی نفسه معاملات باطلی نیستند؛ بلکه طبق شرایطی قابل ابطال می باشند، بنابراین مادامیکه ابطال نشده اند همچنان به قوت و اعتبار خود باقی هستند. به همین جهت طبق ماده ۱۳۰ لایحه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد می باشد. دوم قابلیت ابطال این دسته از معاملات منوط به عدم اجازه هیات مدیره است. سوم مستنداً به ماده ۱۳۱ لایحه، تصمیم به درخواست ابطال این دسته از معاملات منوط به تصویب مجمع عمومی عادی صاحبان سهام و پس از استماع گزارش بازرسان در این زمینه است. چهارم تشکیل مجمع عمومی عادی به دعوت هیات مدیره یا بازرسان شرکت صورت می گیرد. بنابراین از آنجاکه تاکنون چنین تشریفات جهت ابطال معامله طی نشده است و نیز مستنداً به اصل استحکام معاملات، هیچ گونه توجیهی جهت ابطال معامله وجود ندارد.

۸-۲- اساساً انحلال شرکت آسان سفر و ادغام آن با شرکت آسان سیر با موافقت اکثریت لازم در مجمع عمومی فوق العاده صورت گرفته و هیچ گونه تقلبی در بین نبوده است. بنابراین باتوجه به اصل موضوعی صحت، خواهان که مدعی تقلب است ملزم می باشد ادعای خود را اثبات نماید. بدین ترتیب اقلیتی که مخالف

با تصمیم نهایی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت هستند، نمی‌توانند به صرف آنکه نظر ایشان در موضوع «انحلال شرکت» تامین نشده است، تقاضای ابطال صورتجلسه‌های انحلال و ادغام را طرح نمایند.

۹- در پاسخ به بند ۶ لایحه دفاعیه خواهان محترم

خواهان محترم که معتقد به صلاحیت مرکز دآوری است، استحضار دارد که حسب ماده ۳۵ قواعد مرکز، مرجع دآوری خود، برای رسیدگی به موضوع دستور موقت صالح است. بنابراین مراجعه به دادگاه برای اخذ دستور موقت، علیرغم وجود بند (ت) ماده ۳۵، با تدقیق در ماده ۱۲ قرارداد خرید سهم که برای حل و فصل اختلافات به شیوه تخییری به محاکم صالحه و مرجع دآوری اشاره نموده، اماره‌ای بر آن است که خواهان در اولین اقدام خود علیه موکلین بین دو مرجع موصوف، محاکم دادگستری را برگزیده و بدین‌ترتیب از صلاحیت مرجع دآوری اعراض کرده است. ضمن اینکه مراجعه به دادگاه برای اخذ دستور موقت طبق بند (ت) ماده ۳۵ قواعد مرکز جنبه استثنایی دارد.

۱۰- در پاسخ به بند ۷ لایحه دفاعیه خواهان محترم

خواهان محترم ملتزم است مستندا به ماده ۵۴ قرارداد خرید سهم نسبت به پرداخت خسارت تاخیر در ایفای تعهد ناظر بر پرداخت ثمن معامله اقدام نماید. از این روی استناد به حق حبس برای عدم پرداخت ثمن معامله و متعاقبا عدم پرداخت خسارت تاخیر در تادیه فاقد وجاهت قانونی است.

۱۰-۱- پاسخ به بند «ب-۷»: عدم پرداخت ثمن تعهد اصلی و اولیه و علت تعهد دیگر اصلی و اولیه، یعنی انتقال مالکیت است. حال آنکه تعهد به اعطای وکالت جهت مراجعه به ادارات دولتی و انجام تشریفات اداری ثبت، تعهدی ثانویه است؛ هرچند موکلین نسبت به اعطای وکالت به خواهان محترم اقدام نموده‌اند اما حتی اگر تعهد آنان را تنظیم سند رسمی وکالت بدانیم نیز خواهان نمی‌تواند دو تعهد غیر همسنگ را در مقابل هم قرار دهد. از طرف دیگر خواهان محترم به موجب بند ۲ ماده ۵ قرارداد خرید سهم، متعهد بوده است تا نسبت به ارائه خدماتی از قبیل فناوری، دانش مدیریتی و ارتباطات با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در حوزه کسب‌وکار بصورت رایگان اقدام نماید. این درحالی است که تاکنون خواهان محترم در راستای ایفای این تعهد

خود اقدام نکرده است. با توجه به اینکه عدم ایفای تعهدات قراردادی فی نفسه تقصیر است و نیز مستنداً به مواد ۲۲۷ تا ۲۲۹ قانون مدنی و با ثبوت فرض تقصیر علیه متعهد (خواهان محترم)، لازم است ایشان ادله ایفای این تعهد قراردادی خود را نیز ارائه نمایند.

۲-۱۰- پاسخ به بند «ب-۷»: هنگام انعقاد عقد بیع کل سهام مورد معامله در مقابل پرداخت کل ثمن به خواهان منتقل شد. بنابراین خواهان محترم نمی تواند با تجزیه تعهد خود متناسب با دفعات پرداخت اقساط، هر قسط را معادل بخشی از مبیع قلمداد نموده و آنگاه از حق حبس برای عدم ایفای تعهدات قراردادی دو تعهد موجد به تاریخ واحد استفاده نماید؛ زیرا باتوجه به کاربرد الفاظ و قصد طرفین مندرج در ماده ۵.۱ قرارداد خرید سهام، شرکت محترم سینباد با انعقاد عقد بیع مالک کل مبیع شده است.

۳-۱۰- پاسخ به بند «ب-۷»: استناد به حق حبس جهت توجیه عدم ایفای تعهدات قراردادی خواهان فاقد وجهت قانونی است؛ زیرا صرف نظر از آنکه دو تعهد «انتقال رسمی سهام» و «پرداخت مبلغ سهام» دو عوض متقابل قراردادی نیستند؛ حق حبس در قراردادهایی جریان دارد که عوضین حال هستند درحالیکه در پرونده حاضر تعهد خواهان محترم به پرداخت اقساط ثمن معامله تعهد موجدی است که در اقساط مختلف پرداخت می گردد. از طرف دیگر مقتضای ذات عقد بیع یعنی انتقال مالکیت با تلاقی ایجاب و قبول طرفین حاصل شده است و تعهد ثانویه یعنی حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی جهت اعطای وکالت به ادعای خواهان ایفا نشده است. این درحالی است که خواهان بدون ایفای تعهد اولیه خود ناظر به پرداخت ثمن معامله سعی دارد این امر را به عدم ایفای تعهد ثانویه فروشندگان سهام مستند سازد. بدیهی است شرایط استناد به حق حبس درخصوص تعهدات موجد خواهان وجود ندارد.

۴-۱۰- پاسخ به بند «ب-۷»: طبق دکترین حقوقی موجود اگر یکی از تعهدات حال و دیگری موجد باشد، متعهدی که تعهد حال دارد می تواند تا فرارسیدن اجل، حق حبس خود را بکاربندد. این استدلال اتفاقاً در راستای حقوق فروشندگان سهام قابل است؛ زیرا آنان می توانند با استفاده از حق حبس خود تا حصول اطمینان از ایفای تعهدات متعهد دیگر از ایفای تعهدات خود خودداری نمایند. این درحالی است که فروشندگان سهام نسبت به ایفای مقتضای ذات عقد بیع، یعنی انتقال مالکیت حین العقد اقدام نموده اند.

۵-۱۰- «ث-۷»: شرکت محترم خواهان از لحظه انعقاد قرارداد خرید سهم، سهامدار شرکت آسان سفر محسوب می‌گردد و اطلاق لفظ «سهامداران» وی را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین کاربرد الفاظی مانند خریدار و فروشنده نافی سهامدار تلقی‌شدن این شرکت نیست. در هر قرارداد بیع دیگری نیز از این الفاظ استفاده می‌شود اما نهایتاً خریدار «مالک» مبیع تلقی می‌گردد. بنابراین نتیجه اصلی خرید سهم، سهامدار تلقی‌شدن خواهان است. بدین ترتیب این شرکت نمی‌تواند مدعی انصراف لفظ «سهامداران» مندرج در ماده ۱۶ قرارداد سهامداران از «شرکت سینباد» باشد.

۶-۱۰- پاسخ به «ث-۷»: اگر شرکت محترم سینباد برای فرار از ضمانت اجرای مندرج در ماده ۱۶ قرارداد سهامداران، خود را سهامدار شرکت آسان سفر نمی‌داند، چرا به دنبال مطالبه حقوق سهامداری خویش از جمله سود سهام، شرکت در هیات مدیره یا شرکت در افزایش سرمایه شرکت است؟ بدیهی است حقوق سهام صرفاً به سهامدار تعلق می‌گیرد.

۱۱- در پاسخ به بند ۹ لایحه دفاعیه خواهان محترم

۱-۱۱- دعوت مجمع عمومی فوق العاده جهت انحلال شرکت به موجب نشر آگهی در روزنامه تعیین شده در اساسنامه صورت پذیرفته و ادعای وکیل محترم خواهان مبنی بر عدم دعوت از طریق نشر آگهی صحیح نمی‌باشد. بعلاوه عدم حضور نماینده سینباد مانعی جهت برگزاری جلسه و تنظیم صورت جلسه موضوع دعوا نبوده زیرا اکثریت لازم از هر دو جهت (حضور سهامداران و نصاب تصمیم‌گیری) فراهم آمده است و تصمیم نهایی مجمع عمومی فوق العاده کاملاً قانونی اتخاذ شده است و ادعای خلاف آن مستلزم ارائه ادله مثبتی از جانب خواهان محترم است.

۲-۱۱- جلسات هیات مدیره با توجه به استدلال‌های پیش گفته کاملاً منطبق با قانون تشکیل شده است. مجدداً تاکید می‌گردد توافق طرفین بر پیشنهاد یک عضو هیات مدیره توسط شرکت محترم سینباد همواره اجرا شده است و باتوجه به عدم تضمین نتیجه رای‌گیری، صرف عدم احراز نصاب لازم جهت عضویت در هیات مدیره شرکت آسان سفر، تصمیمات اتخاذی توسط هیات مدیره‌ای که قانوناً انتخاب شده‌اند را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

۱۲- در پاسخ به بند ۱۰ لایحه دفاعیه خواهان محترم

۱۲-۱- اصل بر تکمیلی بودن قوانین است مگر اینکه قانونگذار به صورت صریح یا با کاربرد الفاظی (بصورت ضمنی) به امری و غیرقابل توافق بودن یک حکم قانونی اشاره نماید. بنابراین آنچه تنها طبق ماده ۹۰ لایحه امری است، لزوم تقسیم سود است.

۱۲-۲- هرچند قانونگذار در ماده ۹۰ لایحه به پرداخت سود قابل تقسیم به سهامداران اشاره دارد اما هیچ‌گاه به توافق طرفین ناظر به عدم دریافت سود پس از تخصیص آن برای یک بازه زمانی مشخص متعرض نمی‌شود. بنابراین طبق اصل آزادی اراده، طرفین می‌توانند توافق کنند برای یک مدت زمان مشخص علی‌رغم تقسیم سود و اختصاص سود سهام به آنان، مبلغ یادشده را دریافت نمایند. اگر نتیجه‌ای غیر از این پذیرفته گردد با دیگر احکام قانونی مانند امکان افزایش سرمایه از محل مطالبات حال شده سهامداران بابت سود سهام، تغایر خواهد داشت؛ زیرا در این فرض سهامداران می‌توانند یا با اعمال حق تقدم در خرید سهام جدید مشارکت نمایند یا اصل سود اختصاص یافته را دریافت نمایند. این درحالی است که طبق استدلال خواهان محترم، سهامداران ملزم‌اند وجه نقد بابت سود سهام خود را دریافت نمایند. (!)

۱۲-۳- خواهان محترم به لزوم احراز نصاب «اتفاق آرای مجمع عمومی عادی» (!) جهت تصمیم‌گیری درخصوص قابل برداشت بودن یا نبودن سود سهام استناد می‌نماید. این امر درحالی است اولاً اتفاق آراء در شرکت‌های سهامی امری استثنایی است. ثانیاً هیچ نص قانونی در این مورد خاص ناظر بر اتفاق آرای سهامداران وجود ندارد. آیا اگر سهامداری اراده نماید برای یک بازه زمانی مشخص سودی که به سهام وی تعلق گرفته است را برداشت ننماید، باید اتفاق آرای مجمع عمومی عادی سهامداران را کسب نماید؟؟ آیا اسقاط حق با مدت معین در نظام حقوق ایران نیازمند حصول اتفاق آرای اشخاص دیگر غیر ذی حق است؟؟

۱۲-۴- به نظر می‌رسد خواهان محترم دو نکته مختلف را بصورت موضوعات واحد در نظر گرفته‌اند و حکم مشترکی را بر آنها بار کرده‌اند. توضیح آنکه توافق طرفین مبنی بر اینکه در یک بازه زمانی مشخص سود اختصاص یافته به سهام خود را دریافت نکنند هیچ ارتباطی با مجامع عمومی صاحبان سهام ندارد. آنچه در

صلاحیت مجامع عمومی است تصمیم‌گیری درخصوص میزان سود قابل تقسیم است. حال میان این دو موضوع متفاوت، از لحاظ حقوقی تفاوت وجود دارد و هیچ‌کدام خللی به دیگری وارد نمی‌نمایند.

۱۳- تشریح خواسته مندرج در دعوای تقابل

با توجه به ماده ۱۶ قرارداد سهامداران، ضمانت‌اجرای عدم ایفای تعهدات مالی طرفین، خروج سهامدار از شرکت از طریق فروش سهام خریداری‌شده توسط وی است. بدین ترتیب هرچند در ابتدا شرکت محترم خواهان بدون پرداخت کل ثمن، مالک سهام موضوع قرارداد خرید سهم شده‌است؛ اما این مالکیت زمانی بصورت کامل مستقر می‌گردد که نسبت به پرداخت کلیه اقساط ثمن اقدام نماید. از طرف دیگر طرفین در ماده ۵.۲ قرارداد خرید سهم توافق نموده‌اند با تاخیر در پرداخت هر کدام از اقساط ثمن، خریدار ملتزم به پرداخت خسارت تاخیر در تادیه ثمن است. با این اوصاف از آنجاکه که خواهان محترم تعهدات مالی خود را ایفا ننموده‌است و مراتب به موجب نامه مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۲ به اطلاع وی رسیده‌است، ملتزم است طبق شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۱۶ قرارداد سهامداران، شرایط نقل و انتقال قانونی سهام خریداری‌شده را فراهم نماید. از طرف دیگر خواهان به موجب توافق مندرج در ماده ۵.۲ قرارداد خرید سهم ملتزم است نسبت به پرداخت خسارت تاخیر در تادیه اقساط سه‌گانه، اقدام نماید. بنابراین با جمع میان این دو ضمانت‌اجرا، ضمن مطالبه خسارت تاخیر در پرداخت ثمن -فعلاً به میزان ۱۵۰۰۰۰۰ یورو-، تا تاریخ خروج خواهان از شرکت، اعمال ضمانت‌اجرای مندرج در ماده ۱۶ قرارداد سهامداران مورد تقاضا است.

در پایان باتوجه به مجموعه دفاعیات تقدیمی و فقدان مبنای قانونی برای اقامه دعوا و طرح ادعاهای فرعی متعاقب آن، ضمن تقاضای صدور حکم بر بی‌حقی خواهان محترم دعوای اصلی، محکومیت خوانده دعوای تقابل، به شرح لایحه پیوست مورد تقاضا است.

با تجدید مراتب احترام

گروه شماره JR984

جدول دادنامه‌ها

مشخصات کامل رای		دادگاه صادرکننده رای و شماره دادنامه
شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، پاراگراف شماره ۱-۲.		۱. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۸۹۳
مورخ ۱۳۹۲/۵/۷ شعبه ششم دادگاه حقوقی اسلامشهر، پاراگراف شماره ۵-۲.		۲. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۵۵۱
شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، پاراگراف شماره ۵-۲.		۳. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۵۳
شعبه شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، پاراگراف شماره ۵-۲.		۴. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۷۱۰

فهرست علائم اختصاری

۱. قواعد مرکز: قواعد و آیین داورى مرکز داورى اتاق ايران
۲. لايحه: لايحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷